

خلیج فارس

و نام آن در طول تاریخ^۱

اوضاع طبیعی :

این خلیج دریای کم عمقی است که در حاشیه غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه جزیره عربستان و جنوب شرقی کشور ایران قرار دارد .

مساحت این دریا ۱۲۹/۵۰۰ میل مربع (۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع) است . طول آن از دهانه شط العرب تا تنگه هرمز که به دریای عمان می پیوندد قریب ۶۰۰ میل (یکهزار کیلومتر) و منتهای عرض آن ۲۱۰ میل و کمترین پهنای آن ۳۵ میل در تنگه هرمز است .

حداکثر عمق آن بین ۳۰۰ و ۳۶۰ پای است .^۲

۱- درباره نام خلیج فارس نگارنده خطابه ای در سمینار خلیج فارس که از ۲۴ مهر تا دوم آبان ماه ۱۳۴۱ شمسی در باشگاه افسران تهران زیر نظر اداره کل انتشارات رادیو تشکیل شد ، ایراد نمود و همین سخنرانی در جلد نخستین کتاب خلیج فارس به چاپ رسید . اینک خطابه مزبور را تکمیل کرده و با افزودن مطالب تازه ای به آن ، بصورت رساله ای در آوردم که از نظر خوانندگان محترم میگذرد .
2— The New Encyclopaedia Britannica (1974) Volume 14, Persian Gulf.

قسمت شمالی و شمال شرقی خلیج فارس را تماماً سواحل ایران پوشانده و در منتهی‌الیه شمالی آن مصب شط‌العرب قرار دارد. در مسافت کمی از گوشه شمال غربی آن عراق گسترده شده و بقیه زاویه شمال غربی آنرا خاک کویت اشغال می‌کند. در جنوب کویت قسمتی است که به آن منطقه بیطرف^۲ می‌گویند. این منطقه تقریباً ۴۵ میل از کرانه خلیج فارس را اشغال می‌کند.

بعد از منطقه بیطرف کرانه‌های جنوبی خلیج فارس بسمت جنوب باختری تا مجاورت محل تقاطع مدار ۲۵ درجه شمالی و نصف‌النهار ۵۱ درجه شرقی امتداد پیدا می‌کند. تمام طول این منطقه که به ۲۵۰ میل بالغ می‌گردد جزء قلمرو عربستان سعودی است. از بنادر و مراکز عمده واقع در این منطقه میتوان بندر قطیف، رأس‌التنوره، نجمه، خبر، دمام و بالاخره ظهران را نام برد. این منطقه را در گذشته کرانه‌های الاحساء می‌خواندند.

در همین ناحیه خلیجی که شکل آن شبیه «۷» و طول آن شمالی جنوبی است تشکیل میشود. ساحل غربی این خلیج را کرانه‌های عربستان سعودی (الاحساء) و دیواره شرقی آنرا خاک قطر بوجود آورده. اسم این خلیج سالوا Salwa میباشد و پهنای دهانه آن حدود ۳۹ میل است که جزایر بحرین تقریباً در وسط این دهانه گسترده شده‌اند.

پس از این ناحیه به شبه جزیره‌ای میرسیم به نام قطر که تا ۹۰ میل بسمت شمال امتداد پیدا کرده حداکثر پهنای قطر در حدود ۶۰ میل است.

کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از محل شرقی اتصال این شبه جزیره بخاک عربستان که ناحیه «العدید» و یا «وکره‌العدید»

۳— Neutral Zone . یا المحایده .

نام دارد تا حدود ۳۰۰ کیلومتر بسمت مشرق پیش می‌رود (نصف النهار ۵۴ درجه شرقی) که در اینجا به مرکز شیخ نشین ابوظبلی میرسیم .

از اینجا به بعد ساحل جنوبی خلیج فارس راه شمال شرقی را پیش گرفته و تقریباً از محل التقای مدار ۲۶ درجه شمالی و نصف النهار ۵۶ درجه شرقی نیز گذشته و سپس از شرق نصف النهار اخیرالذکر تا محاذات مدار ۲۵ درجه پائین آمده و از اینجا به بعد بسمت جنوب شرقی پیش می‌رود .

سواحل اخیر روبروی دریای عمان قرار گرفته‌اند و هرچه از مدار ۲۵ درجه پائین‌تر برویم از شیخ نشین فجیره به سواحل مسقط و عمان خواهیم رسید .

خلیج فارس در منطقه رأس المسندم بصورت تنگه‌ای درمی‌آید که عرض آن در حدود ۵۰ میل می‌باشد و آنرا تنگه هرمز یا باب‌الهرمز می‌خوانند .

در ضلع غربی شبه جزیره مسندم و در کنار آبهای فارس بعد از شیخ نشین ابوظبلی هرچه به سمت شمال شرقی پیش رویم بترتیب به شیخ نشینهای دبی یا دوبی Dubai ، شارجه Sharja عجمان Ajman ، ام‌القیوین یا ام‌الکویین Um alqiwain ، رأس‌الخیمه ، بنه Bakhah میرسیم .

در شمالی‌ترین قسمت این شبه جزیره یعنی در رأس‌الجبال ناحیه دیگری است که به نام خصب khasab خوانده میشود .^۴

نام خلیج فارس در پیش از اسلام :

۱- پیش از آنکه آریائی‌های ایرانی بر فلات ایران تسلط

۴- دکتر محمدعلی جناب: خلیج فارس، آشنائی با امارات آن، تهران ۱۳۴۹.

پیداکنند آسوریان این دریا را در کتیبه های خود بنام «نارمرتو»
 «Nar marratu» که بمعنی رود تلخ است یاد کرده اند و این کهنه ترین
 نامی است که از خلیج فارس بجای مانده است.

۲- در کتیبه یی که از داریوش بزرگ در تنگه ی سوئر یافته اند
 در عبارت «درایه تیه هچا پارسا آئی تی» Draya tya hacha Parsa aity
 یعنی «دریایی که از پارس میرود» (یا سر میگیرد) ناچار منظور
 از دریای پارس همان خلیج فارس است.

در زمان ساسانیان نیز این خلیج را دریای پارس میگفتند.
 ۳- هرودت مورخ یونانی در گذشته در ۴۲۵ ق م اقیانوس
 را که در جنوب غربی آسیاست از دریای احمر گرفته تا دهانه
 هندوستان اری تروس Erythros (اریتره Erithree) یعنی دریای
 سرخ میخواند^۸ و این تسمیه بمناسبت رنگ خاک آن سواحل است
 که متمایل بسرخ است.

پیدا است که هرودت خلیج فارس را درست نمی شناخته از
 این جهت از آن نامی نبرده و بهمان نام مبهم اریتره که اعم از
 اقیانوس هند و بحر عمان و خلیج فارس است اکتفا کرده است.^۹

۴- مورخ دیگر یونانی (فلاویوس آریانوس Flavius Arrianus)
 که در سده ی دوم میلادی میزیست در کتاب معروف خود (آنا بازیس)
 یا (تاریخ سفرهای جنگی اسکندر) ضمن شرح بحر پیمائی نه آرخوس
 (Nearchus) که بامر اسکندر مأموریت یافته بود از رود سند

5— Atlas Historique l'antiquite, Carte 11, Presses Universitaire Paris 1955.

6— Roland G. Old Persian; American oriental Society, 1953; 147 Dzc 10.

7— Marquart. Eranshahr etc, Berlin, 1901.

8— تاریخ هرودت کتاب چهارم بند ۴۰
 9— Bunbury. A history of Ancient Geography, New York 1959; Vol. 1,
 P. 212-221; Vol. 11, P. 443

10— Arriani, Anabasis et India etc., Paris 1865.

بدریای عمان و خلیج فارس بگذرد و به مصب فرات داخل شود ، نام این خلیج را «پرسیکون کا ای تاس» Persikonkaitas نوشته نوشته که ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آن خلیج فارس است .

۵- استرابین (Strabon) جغرافی‌دان نامی یونانی که در نیمه‌ی آخر یک قرن قبل و نیمه اول یک قرن بعد از میلاد میزیست مکرر همین نام را در جغرافیای خود در مورد خلیج فارس بکار برده است و مخصوصاً مینویسد که عرب‌ها بین خلیج عرب (بحر احمر) و خلیج فارس جای دارند .^{۱۱}

۶- کلودیوس پتوله‌ماوس (Claudius Ptolemaeus) یا بطلمیوس معروف که بزرگترین عالم هیأت و جغرافیای قدیم است و در قرن دوم بعد از میلاد میزیست در کتاب بزرگی که در علم جغرافیا بزبان لاتین نوشته از این دریا به نام پرسیکوس سینوس (Persicus Sinus) یاد کرده که درست به معنی خلیج فارس است .^{۱۲}

این اصطلاح در کتابهای لاتینی غالباً سینوس پرسیکوس (Sinus Persicus) آمده است .^{۱۳} کلاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بعلاوه در کتابهای جغرافیائی لاتین خلیج فارس را : «ماره پرسیکوم» Mare Persicum یعنی دریای پارس نیز نوشته‌اند .

۷- کوین توس کورسیوس روفوس (Quintus Curtius Rufus) مورخ رومی که در قرن اول میلادی میزیست و در تاریخ اسکندر تحقیقات جامعی دارد این خلیج را به زبان لاتین : «آکواریوم پرسیکو»-

11— Geographie de Strabon, traduction du gree en francais, Paris 1805. Deuxieme, P. 357-362.

12— A history of ancient Geography, vol. 2, Map of the World, P. 578.

(Aquarum Persico) بمعنی آبگیر پارس خوانده است. ۱۳

۸- اصطلاح لاتینی: «سینوس پرسیکوس» در دیگر زبانها زنده‌ی جهان ترجمه گردیده و همه‌ی ملل این دریای ایرانی بزبان خود خلیج فارس گویند چنانکه بزبان فرانسه *Golfe Persique* و بانگلیسی *Persian Gulf* و بالمانی *Persischer Golf* و بایتالیایی *Golfo Persico* و بروسی *Persidskizaliv* و بژاپونی *Perusha Wan* و ترکی *Farsi Korfozi* آمده که در همه‌ی آنها نام «پارس» وجود دارد. ۱۴

نام خلیج فارس در دوره اسلامی:

اما در کتب جغرافیائی و تاریخی دوره‌ی اسلامی که بمناسبت از این دریا ذکری بمیان آمده نام این خلیج «بحر فارس» «الخلیج الفارسی» یا «خلیج فارس» یاد گردیده است. بعضی جغرافی نویسان قدیم اسلام مفهوم «بحر فارس» را خیلی وسیع گرفته و آنرا به تمام دریای جنوب ایران اعم از بحر عمان خلیج فارس و حتی اقیانوس هند اطلاق کرده‌اند و ما تا اینجا دسترسی داشتیم اهم آن منابع را فراهم آورده در اینجا ذکر میکنیم

۹- ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم الهمدانی معروف بابن الفقیه که کتاب جغرافیای او تحت عنوان «مختصر کتاب البلدان» بدست ما رسیده و در ۲۷۹ هجری تألیف شده است. مینویسد:

— Histoire d'Alexandre le Grand par Quinte Curce, Traduction en français, Tome 11, Paris 1834, P. 184.

۱۴- استاد سعید نفیسی خلیج فارس در متون یونانی و لاتین و تازی- نشر وزارت امور خارجه شماره ۸ سال دوم.

«و اعلم ان بحر فارس و الهند هما بحر واحد لاتصال احد
هما بالاخر» .^{۱۵}

یعنی : بدان که دریای پارس و هند از برای پیوستگی
بیکدیگر هر دو يك دریا هستند .

۱۰- ابوعلی احمد بن عمر بن رسته که کتاب تقویم البلدان
خود را بنام «الاعلاق النفیسه» در ۲۹۰ هجری در اصفهان تألیف
کرده است مینویسد :

«فاما البحر الهندی - یخرج منه خلیج الی ناحیه فارس یسمى -
الخلیج الفارسی ... و بین هذین الخلیجین (یعنی خلیج احمر و
خلیج فارس) ارض الحجاز و الیمن و سایر بلاد العرب .»^{۱۶} یعنی :
اما دریای هند از آن خلیجی بسوی ناحیت پارس بیرون آید که خلیج
پارس نام دارد . و بین این دو خلیج یعنی خلیج احمر و پارس
سرزمین حجاز و یمن و دیگر بلاد عرب واقع است .

۱۱- جغرافی دانی ایرانی بنام سهراب که در قرن سوم هجری
میزیسته در کتاب خود ، عجائب الاقالیم السبعة الی نهاية العمارة
مینویسد «بحر فارس و هو البحر الجنوبي الكبير»^{۱۷} یعنی دریای
پارس دریای بزرگی است در جنوب .

۱۲- ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن خردادبه
خراسانی در گذشته در ۳۰۰ هجری در کتاب معروف خود «المسالك
والممالك» در باره ی رودهایی که به خلیج فارس میریزد چنین
مینویسد : «و فرقة (من الانهار) تمرالی البصرة و فرقة اخرى
تمرالی ناحية المذار ثم یصب الجميع الی بحر فارس» .^{۱۸}

-
- ۱۵- مختصر کتاب البلدان باهتمام دی خویه طبع لیدن ۱۸۸۵ ص ۸ .
۱۶- الاعلاق النفیسة ج ۷ باهتمام دی خویه (De Goeje) طبع لیدن ۱۸۹۱ ص ۸۴ .
۱۷- عجایب الاقالیم السبعة الی نهاية العمارة طبع وین ۱۹۲۹ م ص ۵۹ .
۱۸- المسالك والممالك طبع لیدن باهتمام استاد دی خویه ۱۸۸۹ م ص ۲۳۳ .

یعنی : گروهی از این رودها بسوی بصره و گروهی بسوی مذار^{۱۹} روانند سپس همه ی آنها به دریای پارس میریزند .

۱۳ - بزرگت بن شهریار الناخذاه هرمزی (ناوخدای رامهرمزی) در کتاب «عجایب الهند برة و بحره و جزایره» که آنرا در حدود سال ۳۴۲ هجری تألیف کرده مینویسد :

«و من عجایب امر بحر فارس ما یراه الناس فیه باللیل فان الامواج اذا اضطربت و تکسرت بعضها علی بعض انقدح منه النار فیخیل الی راکب البحرانه یسیر فی بحر تار»^{۲۰}

یعنی : از شگفتی های دریای پارس چیزی است که مردمان به شب هنگام بینند در آنگاه چون موجها برهم خورند و بر یکدیگر شکسته شوند از آنها آتش برجهد و آنکه برکشتی سوار است پتدارد که بدریایی از آتش روان باشد .

۱۴ - ابواسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی الاصطخری از مردم استخر فارس معروف به الکرخی در گذشته در ۳۴۶ ه در کتاب «مسالك الممالك» خود که بر اساس کتاب صور الاقالیم ابوزید بلخی است مینویسد : بحر فارس فانه یشتمل علی اکثر حدودها و یتصل بديار العرب منه و بسائر بلدان الاسلام و نصوره ثم تذکر جوامع مما یشتمل علیه هذا البحر و نبتدی بالقلزم علی ساحله ممایلی المشرق فانه ینتهی الی ايله ثم یطوف بحدود ديار العرب الی عبادان ثم یقطع عرض دجله و ینتهی علی الساحل الی مهروبان ثم الی جنابا ثم الی سیراف ثم یمتدالی سواحل هرمز وراء کرمان الی الدبیل و ساحل الملتان و هو ساحل الستد»^{۲۱}

۱۹ - مذار به فتح میم شهری مابین واسط و بصره (مراسد الاطلاع) .

۲۰ - عجایب الهند باهتمام و اندرلیت و مارسل دیویس طبع لیدن ۱۸۸۶

میلادی ، ص ۴۱ .

۲۱ - مسالك الممالك اصطخری طبع لیدن ۱۹۲۷ باهتمام استاد دی خویه ص ۲۸ .

در کتاب دیگر خود «کتاب الاقالیم» مینویسد: «الاعظم بحر فارس و هو خلیج من البحر المحیط من حد الصين حتی بحری علی حدود بلدان الهند و السند و کرمان الی فارس وینسب هذا البحر من بین سائر الممالک التي علیه الی فارس لانه ليس علیه مملکه اعم منها».^{۲۲}

یعنی: دریای پارس که مشتمل بر بیشتر حدود آنست و بدیاری عرب و دیگر بلاد اسلام پیوندد ما آنرا تصویر کرده جمیع حدود آنرا یاد کنیم و آغاز دریای قلزم نماییم که از ساحل آن در مشرق تا به ایله^{۲۳} منتهی میشود سپس به حدود دیاری عرب تا آبادان بگردد و عرض دجله را بریده به ساحل مهر و بان^{۲۴} و از آنجا به گناوه^{۲۵} و از آنجا به سیراف^{۲۶} منتهی گردد و سپس تا به سواحل هرمز و آنور کرمان تا دبیل^{۲۷} و مولتان^{۲۸} که ساحل هند است امتداد می یابد.

۲۲- کتاب الاقالیم، طبع اروپا، ص ۶۱.

۲۳- ایله - بفتح همزه، شهری بر ساحل دریای قلزم (احمر) بوده است.

۲۴- مهر و بان - شهری بوده است به ساحل فارس بین آبادان و سیراف (مراد الاطلاع).

۲۵- جنابه یا جنابا - بفتح جیم و تشدید نون شهر کوچکی بر ساحل فارس و آن همان بندر گناوه از بلوک دشتستان و از توابع بوشهر است.

۲۶- سیراف: نام شهری بود در کنار دریای فارس در جانب جنوبی شیراز بمسافت شصت و هشت فرسنگ و سالهاست خراب گشته و جزیک محله از آن باقی نمانده که آنرا بندر طاهری گویند و اکنون از توابع کنگان است (فارسنامه ی فسایی ص ۲۲۴).

۲۷- دبیل: بفتح دال جایی نزدیک یمامه و بقولی بین یمامه و یمن. (مراد الاطلاع) ظاهراً باید دبیل همان دبول (Dabul) بندری بر کنار کنگان (Konkan) در دریای هند از ایالت پیشاور باشد. نگاه کنید به:

Dezobry et Bachelet: Dictionnaire General de Biographie et d'Histoire, Paris 1889.

۲۸- مولتان Moultan شهری است از ایالت پنجاب در ۸ کیلومتری ساحل چیناب. نگاه کنید به مأخذ مذکور بالا جلد دوم در ماده ی Moultan.

۱۵- مورخ مشهور ابوالحسن علی بن الحسین بن علی مسعودی در گذشته در ۳۴۶ هـ در کتاب «مروج الذهب و معادن الجواهر» مینویسد :

«و یتشعب من هذا البحر (ای البحر الهندی او الحبشی) خلیج آخر و هو بحر فارس وینتهی الی بلاد ابله و الخشبیات و عبادان .. و هذا الخلیج مثلث الشكل»^{۲۹}

یعنی: از این دریا که دریای هند یا حبشی باشد خلیجی دیگر منشعب شود که دریای فارس است و آن منتهی به شهر های ابله^{۳۰} و خشبات و آبادان میشود ... و این خلیج مثلثی شکل است.

۱۶- مسعودی در کتاب دیگر خود «التنبیه و الاشراف» که آنرا در سال ۳۴۵ هـ به پایان رسانیده است مینویسد :

«و قد حد کثیر من الناس السواد و هو العراق فقالوا حده من جهة المشرق الجزیره المتصلة بالبحر الفارسی المعروفة بمیان روزان من کوره بهمن اردشیر و راء البصره مما یلی البحر»^{۳۱}

یعنی: بسیاری از کسانی که حدود سواد یعنی عراق را تعیین کرده اند گفته اند که: حد آن از سوی مشرق جزیره ایست که به دریای پارسی پیوسته و بمیان روزان^{۳۲} معروف است و از ناحیه ی بهمن اردشیر^{۳۳} پشت بصره نزدیک دریاست.

-
- ۲۹- مروج الذهب طبع پاریس باهتمام باریبه دومینار ۱۸۶۱م ج ۱ ص ۲۳۸.
 ۳۰- ابله به ضم همزه و باء و تشدید و فتح لام شهری بود بر کنار شط العرب در زاویه ی خلیجی که در آن بصره واقع است (مراصد الاطلاع).
 ۳۱- التنبیه و الاشراف، طبع بغداد ۱۹۳۸ ص ۳۵.
 ۳۲- میان روزان: جزیره ایست در پائین بصره که شهر آبادان در آن واقع است (مراصد الاطلاع).
 ۳۳- بهمن اردشیر: این ناحیه را امروز بهمن شیر گویند و نزدیک آبادان است.

۱۷- ابن المطهر المقدس الطاهر بن المطهر در کتاب تاریخ خود بنام البدء والتاریخ که آنرا در ۳۵۵ هجری تألیف کرده در باره‌ی رودهایی که به خلیج فارس میریزد مینویسد :

«و تجتمع هذه الانهار كلها في دجلة و يمر دجلة بالا بله الى عبادان فيصب في الخلیج الفارسی .»^{۳۴}

یعنی : همه‌ی این رودها در دجله فراهم آیند و دجله از ابله به آبادان بگذرد و در خلیج پارس ریزد .

۱۸- ابوریحان محمد بن احمد البیرونی الخوارزمی در گذشته در ۴۴۰ هجری در کتاب «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» که آنرا به فارسی تألیف کرده نام این خلیج را دریای پارس و خلیج پارس هر دو آورده است^{۳۵}، و در کتاب دیگر خود «تحدید نهایات الاماکن» ، «بحر فارس علی جنوب شیراز»^{۳۶} ذکر کرده است .

۱۹- و نیز ابوریحان در کتاب دیگر خود معروف به القانون المسعودی مینویسد :

«عبادان قم الخشبیات فی مصب دجله و انبساطها فی بحر فارس»^{۳۷}
یعنی : آبادان دهانه‌ی خشبیات در مصب دجله است و گسترش آن در دریای پارس میباشد .

۲۰- ابوالقاسم محمد بن حوقل صاحب کتاب «صورة الارض» که آنرا به سال ۳۶۷ هـ به پایان رسانیده راجع به خلیج فارس

۳۴- البدء والتاریخ طبع پاریس باهتمام کلمان هوار ۱۹۰۷ م ج ۴ ، ص ۵۸ .

۳۵- التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، طبع تهران سال ۱۳۱۸ شمسی باهتمام

استاد جلال همایی ص ۱۶۷ .

۳۶- تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن، طبع آنکارا ۱۹۶۲ .

۳۷- قانون مسعودی ، طبع حیدرآباد دکن ۱۹۵۵ م ، ج ۲ ، ص ۵۵۸ .

عبارت اصطخری را با مختصر تغییری در کتاب خود آورده و مانند وی آن دریا را «بحر فارس» نامیده است.^{۳۸}

۲۱- در کتاب «حدودالعالم من المشرق الى المغرب» که قدیمترین جغرافیا بزبان فارسی است و در ۳۷۲ هجری تألیف یافته نام این دریا خلیج پارس آمده و چنین نوشته شده است:

«خلیج پارس از حد پارس برگیرد با پهنای اندک تا بحدود سند».^{۳۹}

۲۲- شمسالدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر بنای شامی مقدسی معروف به بشاری در کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» که آنرا در سال ۳۷۵ هـ پایان رسانیده این دریا را مانند دیگران «بحر فارس» خوانده است.^{۴۰}

۲۳- محمد بن نجیب بکیران در کتاب جهان نامه که نسخه آن بتازگی در روسیه چاپ شده و از تألیفات فارسی بمان قرن است مینویسد: «بحر کرمان پیوسته است به بحر مکران - جزیره ی کیش که مروارید از آنجای آورند درین دریاست و چون از بحر کرمان بگذری بحر پارس باشد و طول این دریا از حدود عمان تا نزدیکی سراندیب بکشد و بر جانب جنوب او جمله زنگبر است و این بحر و بحر عمان هر دو یکی است بسبب آنکه ولایت پارس بر جانب شمال اوست و ولایت عمان بر جانب مغرب او».^{۴۱}

۲۴- ابن البلخی در کتاب فارسنامه که آنرا در حدود پانصد

۳۸- صورة الارض ، طبع لیدن ۱۹۳۸ باهتمام کرامرس ج ۱ ص ۴۲ .
 ۳۹- حدودالعالم ، از روی نسخه ی عکسی تومانسکی طب لنینگراد ، باهتمام بارتولدو طبع تهران ، باهتمام سیدجلال الدین تهرانی ۱۳۱۲ شمسی ص ۸.
 ۴۰- احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم طبع لیدن ۱۹۰۶ باهتمام استاد دی خویه ص ۱۷ .
 ۴۱- جهان نامه چاپ عکسی طبع مسکو ۱۹۶۰ باهتمام بر شچفسکی ص ۱۹ .

هجری بفارسی تألیف کرده مینویسد : «بحر فارس - این دریای پارس طیلسانی است از دریای بزرگ که آنرا بحر اخضر خوانند و نیز بحر محیط و هرطیلسانی که از این دریا در زمین ولایتی است آنرا بدان ولایت باز خوانند چون دریای پارس و دریای عمان و مانند این و از این جهت این طیلسانرا دریای پارس میگویند .»^{۴۲}

۲۵- شرف الزمان طاهر مروزی در کتاب «طبایع الحیوان» که آنرا در حدود ۵۱۴ هـ بپایان رسانیده این دریا را «الخلیج - الفارسی» نوشته است.^{۴۳}

۲۶- ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادریس معروف به الشریف الادرسی از اعراب جزیره سیسیل در گذشته بسال ۵۶۰ هجری در کتاب نزهة المشتاق فی اختراق الافاق مینویسد :

«و یتشعب من هذا البحر الصینی الاخضر و هو بحر فارس و الابله و مسره من الجنوب الی الشمال مغربا «قلیلا» فیمر بغربی بلاد السند و مکران و کرمان و فارس الی ان ینتهی الی الابله حیث عبادان و هناك ینتهی آخره» .^{۴۴}

یعنی : از این دریای چین ، خلیج سبز که دریای پارس و ابله است منشعب میگردد گذرگاه آن از جنوب تا اندکی بشمال غربی است چنانکه از مغرب بلاد سند و مکران و کرمان و پارس بگذرد تا به ابله جایکه آبادان است منتهی گردد و آنجا پایان آن دریاست .

- ۴۲- فارسنامه ابن بلخی طبع تهران ۱۳۱۳ شمسی باهتمام سید جلال الدین تهرانی از روی نسخه طبع کمبریج ص ۱۲۴ .
- ۴۳- ابواب فی الصین والترك منتخبة من کتاب طبایع الحیوان طبع لندن ۱۹۴۲ م باهتمام مینورسکی ص ۱۶ .
- ۴۴- نزهة المشتاق طبع رم ۱۸۷۸ م ص ۹ .

۲۷- شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله حموی رومی
 در گذشته در ۶۲۶ هـ در دائرة المعارف جغرافیائی خود معروف به
 «معجم البلدان» مینویسد :

«بحر فارس هوشعبة من بحر الهند الاعظم واسمه بالقارسية
 كما ذكره حمزه «زراه كامسير» و حده من التيز من نواحي مكران
 على سواحل بحر فارس الى عبادان و هوفوه دجلة التي تصب فيه و
 تمتد سواحله نحو الجنوب الى قطر و عمان والشحر و مرباط الى
 حضرموت الى عدن و على سواحل بحر فارس من جهة عبادان من
 مشهورات المدن مهروبان قال حمزه و ههنا يسمى هذا البحر
 بالفارسية «زراه افرنگ» قال و هو خليج متخلج من بحر فارس
 متوجها من جهة الجنوب صعدا الى جهة الشمال حتى يجاوز
 جانب الابله .»^{۴۵}

یعنی : دریای پارس شعبه‌ای از دریای بزرگ هند است و
 چنانکه حمزه‌ی اصفهانی گفته نام آن به پارسی «زراه کامسیر»
 است و حد آن از تیز از نواحی مکران بر ساحل پارس تا آبادان
 است و آن دهانه‌ی دجله است و آن رود بدانجا ریزد . سواحل این
 دریا از جنوب تا به قطر^{۴۶} و عمان و شحر^{۴۷} و مرباط^{۴۸} و حضرموت
 و عدن امتداد دارد.

۴۵- معجم البلدان طبع قاهره ۱۹۰۶ ج ۲ ص ۶۸ .

۴۶- مراد شبه جزیره‌ی قطر است که بر ساحل شرقی جزیره‌ی العرب واقع
 و پایتخت آن دوحه است . نگاه کنید به جغرافیه شبه جزیره‌ی العرب تألیف عمر رضا
 کحاله ص ۴۴۸ .

۴۷- شحر - به کسر شین و حاء شهری است بر ساحل دریای هند و آن
 مرکز ولایت مهر در جنوب شرقی جزیره‌ی العرب است ، نگاه کنید به جغرافیه
 شبه جزیره‌ی العرب ص ۴۳۱ .

۴۸- مرباط - بکسر میم شهری بین عمان و حضرموت و در قدیم بندرگاه
 ظفار بوده و اکنون متروک و خراب است (جغرافیه شبه جزیره‌ی العرب ص ۴۳۴) .

پرسواحل دریای پارس از سوی آبادان از شهر های مشهور مهر و بان است . حمزه گوید که در اینجا این دریا بیپارسی «زراه فرنگک» نام دارد و آن خلیجی از دریای پارس است که از جنوب بشمال بالا رود تا از کنار ابله بگذرد .

۲۸- ابو عبدالله زکریا بن محمد بن محمود قزوینی در گذشته در ۶۸۲ هـ در کتاب آثار الباقیه و اخبار العباد مینویسد : «فارس الناحیه المشهوره التي يحيط بها من شرقها کرمان و من غربها خوزستان و من شمالها مفازة خراسان و من جنوبها البحر سمیت بفارس»^{۴۹} .
یعنی : پارس ناحیه‌ی مشهوری است که از شرق بکرمان و از غرب به خوزستان و از شمال به بیابان خراسان و از جنوب به دریا که دریای پارس نامیده میشود محدود است .

۲۹- و نیز در عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات مینویسد : «و يخرج من بحر الهند خلیجان عظیمان احد هما بحر فارس والاخر بحر القلزم»^{۵۰} .
یعنی : از دریای هند دو خلیج بزرگ بیرون آید که یکی دریای پارس و دیگری دریای قلزم است و نیز نوشته است :
«بحر فارس شعبه من بحر الهند الاعظم من اعظم شعبها و هو بحر مبارك كثير الخير»^{۵۱} .

یعنی : دریای پارس شعبه‌ی یکی از دریای بزرگ هند است و از بزرگترین شعب آنست و دریائی پر برکت و سودآور است .
۳۰ ابوالفداء الملك المؤید عمادالدین اسماعیل بن علی امیر حماه در گذشته در ۷۳۲ هـ در کتاب «تقویم البلدان» مینویسد :

۴۹- آثار البلاد قزوینی طبع گوتینگن ۱۸۴۸ م باهتمام ووستنفلد ص ۱۵۴ .

۵۰- عجائب المخلوقات طبع لایپزیک ۱۸۴۸ باهتمام ووستنفلد ص ۱۰۴ .

۵۱- ایضاً عجایب المخلوقات ص ۱۱۴ .

«بحر فارس و هو بحر ینشعب من بحر الهند شمالاً بین مکران و هی علی قم بحر فارس من شرقیه و قصبه مکران تیز ثم یمتد البحر علی ساحل عمان و یمر شمالاً حتی یبلغ عبادان ثم یمتد من عبادان الی مهر و بان ثم یمر الی سینیز ثم یمتد جنوباً الی جنابه ثم یمتد الی سیف البحر و هو ساحل بلاد فارس ثم یمتد مشرقاً حتی یصل الی هرمز ثم یمتد جنوباً و مشرقاً الی ساحل مکران»^{۵۲}.

یعنی : دریای پارس که از سوی شمال منشعب از دریای هند است بین عمان و مکران است و مکران بندر آن تیز^{۵۳} است و بر دهانه‌ی دریای پارس واقع است سپس دریا بر ساحل عمان امتداد یافته و بشمال بگذرد تا به آبادان برسد و از آبادان به مهر و بان و سپس به سینیز^{۵۴} امتداد یابد پس از سوی جنوب به گناوه و ساحل دریا که کرانه‌ی بلاد پارس است کشیده شود سپس بسوی مشرق امتداد یافته به هرمز برسد و از جنوب و مشرق بکرمان پیوندد .

۳۱- شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی طالب الانصاری الدمشقی الصوفی در گذشته در ۷۲۷ هـ در کتاب «نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر» نام این دریا را مکرر «بحر فارس» یا «بحر الفارسی» یا «خلیج فارس» آورده است.^{۵۵}

۳۲- شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب بن محمد النویری در گذشته در ۷۳۳ هـ در کتاب «نهایة الارب فی فنون العرب» مینویسد :

۵۲- تقویم البلدان طبع پاریس ۱۸۴۰ ص ۲۳ .

۵۳- تیز : بکسر تاء شهری بر ساحل مکران (یا قوت ج ۲) این محل اکنون طیس نام دارد و در شمال بندر چاه بهار است .

۵۴- سینیز : بکسر سین شهری بر ساحل فارس در نزدیکی گناوه (مرصد الاطلاع) .

۵۵- نخبة الدهر طبع لایپزیک ۱۹۲۳ م (اندکس) .

«اما خلیج فارس فانه مثلث الشكل علی هیئة القلع احد اضلاعه من تیز مکران فیمر بلاد کرمان علی هرمنز من بلاد فارس علی سیراف و مهر و بان و منها یفضی البحر الی عبادان ینعطف الضلع الاخر فیمر بالخط و هو ساحل بلاد عمان والضلع الاخر یمتد علی سطح البحر من تیز مکران الی رأس الخیمه».^{۵۶}

یعنی : «اما خلیج پارس مثلث شکل است بصورت بادبان کشتی که یکی از ضلعهای آن از جانب تیز مکران و بلاد کرمان بر هرمنز و بلاد پارس و سیراف و مهر و بان بگذرد و از آنجا دریا به آبادان منتهی شود و از آبادان برگشته به الخط^{۵۷} که ساحل عمان است بگذرد و ضلع دیگر بر سطح دریا از تیز مکران تا رأس الخیمه امتداد یابد».^{۵۸}

۳۳- حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی متوفی در ۷۴۰ هـ در کتاب نزهة القلوب که آنرا به پارسی نگاشته این خلیج را بحر فارس یاد کرده و مینویسد :
«جزایری که از حد سند تا عمان در بحر فارس است از حساب ملك فارس شمرده اند و بزرگترین آن به کثرت مردم و نعمت ، جزایر قیش (کیش) و بحرین است».^{۵۹}

۳۴- ابو حفص زین الدین عمر بن مظفر معروف به ابن الوردی در گذشته در ۷۴۹ هـ در کتاب «خریفة العجایب و فریفة الفرایب» مینویسد :

۵۶- نهاية الارب طبع دارالکتب قاهره ۱۹۳۳ م ج ۱ ص ۲۴۴ .

۵۷- الخط : بفتح خاء و تشدید طاء بمعنی ساحل قطیف و عقیر و قطر است و آن جزء بحرین قدیم که بین بصره و عمان قرار داشته بوده است (یاقوت حموی ماده الخط و بحرین) جغرافیه شبه جزیره العرب ص ۲۶۳-۲۶۵ .

۵۸- این ناحیه امروز جزء هفت شیخ نشین هم پیمان در خلیج پارس است.

۵۹- نزهة القلوب حمدالله مستوفی باهتمام آقای محمد دبیرسیاقی طبع تهران ۱۳۳۶ ش ص ۱۶۴ .

«فصل فی بحر فارس و ما فیہ من الجزایر و العجائب و یسمى البحر الاخضر و هو شعبة من بحر الهند الاعظم و هو مبارك كثير الخیر دائم السلامة و طیء الظہر قليل الهیجان بالنسبة الی غیره».

یعنی : فصل در پیرامون دریای پارس و جزیره‌ها و شگفتیهای آن ، و آن دریای سبز خوانده میشود و آن شعبه‌یی از دریای بزرگ هند است ، و آن دریای پر برکت و سود آور و دائماً بی‌خطر و آرام است و بالنسبه بدیگر دریاها کم هیجان میباشد .^{۶۰}

۳۵- شرف‌الدین ابو‌عبدالله محمد بن عبدالله طنجی معروف به ابن بطوطه در گذشته در ۷۷۷ هـ در رحله‌ی خود کتاب «تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار» مینویسد :

«ثم ركبنا فی الخليج الخارج من بحر فارس فصبحنا عبادان».^{۶۱}
پس در خلیج بیرون از دریای پارس بر کشتی نشستیم و به آبادان درآمدیم .

۳۶- احمد بن علی بن احمد القلقشنندی در گذشته در ۸۲۱ هـ در کتاب «صبح الاعشی فی کتابة الانشاء» مینویسد :

«فاما بحر فارس فهو ينبعث من بحر الهند منعطف آخره علی ساحل بلاد کرمان من شمالیها حتی یعود الی اصل بحر فارس فیمتد شمالاً حتی ینتہی الی مدینة هرموز».^{۶۲}

یعنی : اما دریای پارس منشعب از دریای هند است و پایان آن از سوی شمال بساحل کرمان منعطف شده تا به اصل دریای

۶۰- خریدة العجائب - طبع قاهره ۱۳۰۳ هـ ج ۱ ص ۹۱ .

۶۱- رحله‌ی ابن بطوطه طبع مصر ۱۳۲۲ هـ ج ۲ ص ۱۳۹ .

۶۲- صبح‌الاعشی طبع دارالکتب در قاهره در ۱۴ جلد از سال ۱۹۱۳ تا

۱۹۲۰- ص ۲۴۱

پارس برمیگردد و همچنان به شمال امتداد می‌یابد تا اینکه به شهر هرمز منتهی میشود .

۳۷- مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطینی مشهور به حاجی خلیفه در گذشته در ۱۰۶۷ هـ صاحب کتاب معروف «کشف الظنون» در کتاب دیگر خود «جهان نما» در جغرافیای عالم که آنرا به ترکی نوشته چنین مینویسد :

bahre Fars — buna sinus Persique dirlar Fars Korfuzi belade Fars olmaqla
ona Nesbat, va Mare persicum daxi dilar.

یعنی : دریای پارس - باین دریا سینوس پرسیقوس میگویند بمعنی خلیج فارس بمناسبت اینکه در مشرق آن فارس واقع است بدان نسبت داده میشود . و آنرا ماره پرسیقوم (دریای پارس) نیز گویند .^{۶۳}

۳۸- شمس‌الدین محمد سامی در قاموس الاعلام و قاموس ترکی^{۶۴ ۶۵} خلیج فارس یا بحر فارس را به خلیج بصره معنی کرده است . البته مقصود از خلیج بصره قسمت کوچکی از دریای پارس است که مجاور شهر بصره است . چنانکه به خلیج فارس بمناسبت بندر بوشهر گاهی دریای بوشهر هم می‌گفته‌اند .

۳۹- در دائرةالمعارف البستانی جلد هفتم طبع ۱۸۸۳ در مادهی خلیج ، الخلیج العجمی و الخلیج العربی آمده که از اولی خلیج فارس و از دومی بحر احمر اراده شده است .^{۶۶}

این بود نمونه‌ای از شواهد تاریخی و جغرافیائی دربارهی نام خلیج فارس .

- ۶۳- جهان نماي کاتب چلبی طبع استامبول ۱۱۴۵ هـ ، ص ۷۸ .
۶۴- شمس‌الدین محمد سامی : قاموس الاعلام طبع استامبول ۱۳۰۶ هـ .
۶۵- ایضاً شمس‌الدین محمد سامی : قاموس ترکی طبع استامبول ۱۳۱۷ هـ .
۶۶- دائرةالمعارف البستانی طبع بیروت ۱۸۸۳ م ج ۷ ص ۴۵۷ .

حال به بینیم واقعاً خلیج العربی کجا است ؟

۴۰- خلیج العربی که به رومی آنرا سینوس آرابیکوس (Sinus Arabicus) یعنی خلیج عربها می گفتند در تاریخ ها و جغرافیاهای قدیم مطلقاً به بحر احمر که بین تنگه ی باب المندب و ترعه ی سوئز قرار دارد اطلاق میشده و بمناسبت شنهای سرخ ساحل آن آنرا به یونانی «اری تره» Erithree و به لاتینی ماره روبروم (Mare Rubrum) یعنی دریای سرخ نیز میخواندند و بحر قلزم نیز نام داشته است .

۴۱- هکاتایوس ملطی^{۶۷} از علمای قدیم یونان و ملقب به پدر جغرافیا در گذشته در ۴۷۵ ق م در نقشه ای که از دنیای زمان خود تصویر کرده بحر احمر را «خلیج عرب» یاد کرده است.^{۶۸}

۴۲- هرودت مورخ مشهور یونانی در گذشته در ۴۲۵ ق م در تاریخ معروف خود نام بحر احمر را مکرر خلیج عرب نوشته است.^{۶۹}

۴۳- اراتوس تنوس^{۷۰} یونانی که در زمان بطالسه در اسکندریه میزیست و در ۱۹۶ ق م در گذشت در نقشه ی جغرافیای عالم بحر احمر را «خلیج عرب» خوانده است.^{۷۱}

67— Hecataios of Miletos

۶۸- الدكتور احمد سوسه : العراق فی الخوارط القدیمة خارطة رقم ۷ .

۶۹- هرودت کتاب دوم بند ۱۱ نگاه کنید به :

Histoire d'Herodote, traduction de Pierre, Saliat, Paris 1864.

الدكتور سوسه : العراق فی الخوارط القدیمة خارطة رقم ۸ تاریخ

هیروودوتس الشهبیر - ج ۱ طبع بیروت ۱۸۸۶ .

70— Eratosthenos

۷۱- العراق فی الخوارط القدیمة - خارطة رقم ۹ .

- ۴۴- استرابن جغرافی دان یونانی (قرن اول م) نیز از بحر احمر بنام «خلیج عرب» یاد میکند.^{۷۲}
- ۴۵- بطلمیوس جغرافی دان یونانی که قبلا از او یاد کردیم و کتاب خود را بزبان لاتینی نوشته و در اواسط قرن دوم میلادی میزیست اسم بحر احمر را بزبان لاتین آرابیکوس سینوس (Arabicus Sinus) یعنی خلیج عربی نوشته است.^{۷۳}
- ۴۶- در کتاب «حدود العالم من المشرق الی المغرب» که در ۳۷۲ هـ تألیف شده بحر احمر صراحة «خلیج العربی» آمده است: «خلیجی دیگر هم بدین پیوسته برود بناحیت شمال فرود آید تا حدود مصر و باریک گردد تا آنجا که پهنای او یک میل گردد آنرا خلیج عربی خوانند و خلیج ابله نیز خوانند و خلیج قلزم نیز خوانند».^{۷۴}
- ۴۷- در جهان نما تألیف حاج خلیفه کاتب چلبی در گذشته در ۱۰۶۷ هـ که آن کتاب را به ترکی نگاشته چنین آمده است:^{۷۵}
- Amma bahre qolzom ke Makka danizi dur, Sharqisi jaziratul Arab olmaqula ona sinus Arabikus dirlar, va kotobe qadimada bahre Ahmar Yazilmaqla Mare Ruberum, va Mare Rusu tasmiya idarlar qizil daniz ma'nasina.*
- یعنی: اما بحر قلزم که دریای مکه است بمناسبت اینکه مشرقش جزیره العرب است «سینوس آرابیکوس» نامیده میشود و بمناسبت آنکه در کتب قدیمه بحر احمر نوشته شده بمعنی ماره بروم و ماره روسو آمده است.

72— Geographie de Strabon Paris 1805, P. 357-362.

73— Bunbury: A history of Ancient Geography. New York, Vol. 11, P. 78 (Map of the World According to Ptolemy).

۷۴- حدود العالم چاپ تهران ص ۸.

۷۵- حاج خلیفه کاتب چلبی: جهان نما، ص ۷۷.

از مطالب و مواردیکه گذشت این نتیجه را می گیریم که نام خلیجی که در جنوب ایران است از دو هزار و پانصد سال پیش، خلیج پارس یا بحر پارس نام داشته و این نام در همه زبانهای زنده دنیا از قدیمترین زمان تاکنون پذیرفته شده و همه ملل جهان آن را بزبان خود خلیج فارس میخوانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 تهران جامع علوم انسانی